یادداشت میهمان

از دانشگاه شریف و تهران تا هاروارد و MIT!

۱- آنهایی که با هدایت سـرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و موسـاد سـال‌ها و به‌خصوص در حوادث سـال ۱۴۰۱ تلاش کردند «چهره واقعی دانشگاه‌های ایران» را که روزگاری با نثار خون شریف‌ترین دانشجویانش جنبش ضداستکباری و ضدامپریالیسمی را در اعتراض به سفر نیکسـون به تهران پایه‌ریزی؛ و بعد از آن شهدای بی‌شماری را در این راه و در دفاع از کشور و مردم تقدیم انقلاب و اسلام کردند، تحریف و وارونه جلوه دهند، اکنون شاهد چهره واقعی ضداستکباری شریف و تهران وامیرکبیر والزهرا و دیگر دانشگاه‌های کشور در دانشگاه‌های آمریکا هستند و هر دانشجوی هاروارد و ام‌آی‌تی و بوستونی و کلمبیایی و امرسونی و تگزاسی و...اکنون یک دانشجوی ایرانی شده است! اگر دانشجویان ایرانی ۷۰ سال قبل خونشان در اعتراض به سیاست‌های ظالمانه آمریکا همزمان با سفر نیکسـون به تهران ریخت و در ادامه بیداری جنبش دانشجویی موجب فتح لانه جاسوسـی در سال ۵۷ شد، اکنون دانشجویان آمریکا و اروپا به نقطه‌ای رسـیدند که دانشجویان فهیم و قهرمان و دشمن‌شناس ایرانی ۴۵ سال قبل به آن عمل کردند. لذا شاید اغراق نباشد که بگوییم دانشجویان آمریکایی با الگوگیری از متن حرکت دانشجویی در ایران و نه از حاشیه‌ها و آنچه که می‌خواستند تحریف شده و وارونه به افکار عمومی جهان القا کنند، به این نقطه رسـیده‌اند، هرچند با تاخیر! که این تاخیر نیز در مطالبـه رهبر معظم انقلاب از جوانان آمریکا و اروپا به‌خوبی مورد سؤال واقع شده است: «از شما می‌خواهم از روشنفکران خود بپرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد سـاله بیدار و آگاه شود؟ و چرا باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟»

اکنـون زمـان بازخوانـی دو نامه مهـم رهبر معظـم انقلاب به جوانان غربی است.

۲- مهم این است که ایده «فلسطین از نهر تا بحر» رهبر معظم انقلاب و شعار «مرگ بر آمریکا» اکنون از زبان دانشجویان آمریکا و اروپا شنیده می‌شـود، که حالا محدود به دانشـگاه‌های این کشورها هم نشده و در خیابان‌های نیویورک و واشنگتن و بوستون و کالیفرنیا و کلمبیا و تگزاس و... و پاریس و لندن و برلین و...و کانادا و اسـترالیا و... با آتش زدن پرچم آمریکا از زبان جوانان این کشورها نیز شنیده می‌شود. این نشان می‌دهد دو پیام چند سال قبل رهبری به جوانان غربی چقدر تاثیرگذار بوده است. حرکت عظیم دانشجویان آمریکا و اروپا در حمایت از فلسطین در حقیقت پاسخ عملی و اصولی به سؤالات و مطالبات رهبر معظم انقلاب از آنهاست که در دو نامه تصریح داشتند «به این دلیل مستقیماً با شما سخن می‌گویم و شما جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهم که اولاً آینده ملّت و سرزمین‌تان را در دستان شما می‌بینم و ثانیا حسّ حقیقت‌جویی را در قلب‌های شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم و ثالثا سیاستمداران و دولتمردان شما آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند و رابعا ایمان دارم که تنها شما جوانهائید که با درس گرفتن از ناملایمات امروز، قادر خواهید بود راه‌هایی نو برای ساخت آینده بیابید و سدّ بیراهه‌هایی شوید که غرب را به نقطه کنونی رسانده است». ایشان در آن نامه‌های فکورانه از «شرمساری تاریخ بـرده‌داری اروپا و آمریکا»، و «سـرافکنده از دوره اسـتعمار»، و «خجل از ستم بر رنگین‌پوستان و غیرمسیحیان»، و «ابراز سرافکندگی محقّقین و مورّخین آمریکایی و اروپایی از خونریزی‌هایی» سخن گفتند که به نام مذهب و ملیّت و قومیّت در جنگ‌های اوّل و دوّم جهانی و قبل و بعد از آنها رخ داده است. از «رنج هر انسانی در هر نقطه از جهان، چه در اروپا و چه در فلسطین» سخن گفتند «با این تفاوت که دنیای اسلام در ابعادی به مراتب وسـیع‌تر، در حجمی انبوه‌تر و به مدّت بسیار طولانی‌تر قربانی وحشت‌افکنی و خشونت بوده و متأسّفانه این خشونت‌ها همواره از طرف قدرت‌های بزرگ حمایت شده است».

۳- اکنون دانشجویان آمریکایی و اروپایی به عمق سخنان رهبری در آن نامه‌ها پی برده‌اند که هدفِ «سیاست تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از دیگری» توسط هیئت حاکمه کشورهایشان، «سودجویی‌های ستمگرانه» بوده اسـت. این دانشجویان اکنون از حصار «مرزهای ساختگی و ذهنی ساخته شده توسط ابزارهای ارتباطاتی» خارج شده‌اند و از «سدّ عاطفی و احساسی» عبور کرده‌اند که رهبر معظم انقلاب خواستار آن شده بودند و دیگر نمی‌خواهند اجازه دهند «با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین آنها و واقعیّت سد ایجاد کنند» و تلاش دارند «با روشنگری خود و محیط پیرامونشان، پلی از اندیشه و انصاف بر روی شکاف‌ها و چالش ناگوار از پیش طراحی شده بین اسلام و جوانان» بسازند. اقامه نماز در این اعتراضات و بعضا با دستِ بسته و بالا بردن نمادها و شعار اسلامی در مقابل پلیس‌های خشن و تا دندان مسلح، پاسخ به این سؤال رهبری است که «آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید و تعالیم انسانی و اخلاقی پیامبر اسلام را مطالعه کرده‌اید؟» خروش جدید جنبش دانشجویی در آمریکا و اروپا در حقیقت پاسخ عملی به این سؤال رهبر معظم انقلاب از آنهاست که «از خود بپرسـید مگر چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام مزاحم برنامه قدرت‌های بزرگ است و چه منافعی در سایه تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟» ایشان نقش آمریکا در ایجاد داعش و تروریسم دولتی اسرائیل را نمونه‌هایی از منطق متناقض غرب برشمرده و تاکید کرده بودند «اگر مردم اروپا اکنون چند روزی در خانه‌های خود پناه می‌گیرند و از حضور در مجامع و مراکز پرجمعیّت پرهیز می‌کنند (به دلیل حوادث تروریستی فرانسـه)، یک خانواده فلسطینی ۷۰ سال است که حتّی در خانه خود از ماشین کشتار و تخریب رژیم صهیونیست در امان نیست. آیا در دنیای امروز قسـاوت دیگری را در این حجم و ابعاد و با این تداوم زمانی می‌شناسید؟ اگر تروریسم و بربریت نیست پس چیست؟». رهبر معظم انقلاب در پایان خطاب به جوانان غربی تاکید کرده بودند «جوانان عزیز! من امید دارم که شما در حال یا آینده، این ذهنیّت آلوده به تزویر را تغییر دهید و تا زمانی که معیارهای دوگانه بر سیاست خشونت‌زای غرب مسلط باشد، و منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه‌های خشونت را در جای دیگر جست‌وجو کرد»؛ لذا دانشجویان آمریکایی اکنون با تفکر و تدبر در این نامه‌ها به ریشـه‌های خشونت و معیارهای متناقض غرب پی برده‌اند و از اشغال فلسطین به اشغال کشور خودشان توسط لابی صهیونیستی رسیده‌اند که هشتگ «یالات متحده اسرائیل» را ترند کرده‌اند!

۴- اما رهبر معظـم انقلاب قبلا دو پیش‌بینی در خصوص اعتراضات آمریکایی‌ها علیه حکومت فاسد خود کرده بودند که اکنون صدق هر دو پیش‌بینی آشکار شد. اولا در واکنش به جنبش ضدنژادپرستی در سال ۲۰۲۰ تصریح کرده بودند «آتش زیر خاکستر شعله کشیده... ممکن است سرکوب و موقتاً خاموش کنند، لکن آتش زیر خاکستر باقی است، از بین نمی‌رود و شعله می‌کشد. اینها نظام کنونی آمریکا را از بین خواهد برد و علّتش هم این است که نظام، نظام غلطی است». اکنون آن آتش در ابعاد گسترده‌تر و وسیع‌تری دوباره زبانه کشیده که این بار در جنبش دانشجویی متبلور شده است. ثانیا رهبری در یکی از آن دو نامه به جوانان غربی حوادث خشونت بار امروز پلیس علیه دانشجویان را نیز پیش‌بینی و هشدار داده بودند «اشتباه بزرگ، هر حرکت هیجانی و شتاب‌زده و عجولانه‌ای است که مخصوصاً اگر وجاهت قانونی بیابد، نه‌تنها مشـکل را حل نخواهد کرد بلکه فاصله‌ها را عمق، و کدورت‌ها را وسعت و گسست‌های موجود را افزایش خواهد داد و جز اینکه راه را بر بحران‌های آینده بگشاید، ثمر دیگری نخواهد داشت». لذا حمایت مطلق آمریکا از صهیونیست‌ها جلوه‌ای عریان از نژادپرستی نهادینه شده در هیئت حاکمه این کشور است، و این قساوت و خشونت علیه دانشجویان، سطحی عریان از حمله اسرائیل به کودکان و زنان غزه است و دولتی که با این همه امکانات از وحشی‌گری‌های اسرائیل علیه غزه حمایت می‌کند، جای تعجب ندارد که این وحشـی‌گری را علیه جوانان و دانشجویان ولو در کشور خودش به کار گیرد، همانگونه که پا روی گلوی جرج فلوید گذاشت و اجازه نداد نفس بکشد! اما نکته مهم این است که وقاحت در تناقضات آمریکا اکنون به فضاحت عریان شدن کشیده شده و ابایی ندارند که آشکارا برخلاف ادعاهایشان عمل کنند، تا جایی که علاوه‌بر دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها، نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا «از حزب سـبز» را هم که در اعتراضات ضداسرائیلی دانشگاه واشنگتن شرکت کرده بود، دستگیر می‌کنند!

۵- این بیداری افکار عمومی در سایه گفت‌وگوی رهبر جمهوری اسلامی با جوانان غربی از صدها موشـک برای هیئت حاکمه آمریکا و اسرائیل خطرناک‌تر و هزینه‌زاتر و برای مردم آمریکا و اروپا راهگشاسـت، و این یعنی صدور انقلاب اسلامی!، که ریچارد فالک استاد و پروفسور آمریکایی می‌گوید: «این نامه‌ها را می‌توان سنگ بنای معنوی و اخلاقی جوامع قرار داد و آن را به کلّ بشریت وسعت بخشید» و پروفسور دنیس رَنکورت عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه اوتاوا در نامه‌ای مستقیم خطاب به رهبر انقلاب تاکید می‌کند «جوانان غربی به نامه شما نگاهی واکاوانه خواهند داشت و این تحلیل عمیق روان‌شناسانه و ژئوپلیتیکال شما بیداری قلب و ذهن غربی‌ها را سرعت می‌بخشد!». اما نکته مهم را چارلز تالیافرو فیلسوف و استاد آمریکایی و عضو انجمن مؤسسه سلطنتی فلسفه گفته بود که «موفقیت و نیروی نامه رهبر ایران در آینده آشکار خواهد شد»!

دکتر محمدحسین محترم

امیرعبداللهیان زمینه‌های توسعه روابط را بین ایران و تونس بررسی کرد

وزیر امـور خارجه جمهوری اسلامی ایران در دیدار و گفت وگو با مدیرکل منطقه‌ای وزارت امور خارجه تونس، زمینه‌های توسعه روابط را بین ایران و تونس بررسی کرد.

حسین امیرعبداللهیان در مسیر بازگشـت از بانجول پایتخت گامبیا و پس از شرکت در پانزدهمین اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی در این کشـور، در توقف کوتاهی در فرودگاه بین‌المللـی تونس، از سـوی مدیران کل منطقه‌ای و تشریفات وزارت امور خارجه تونس، میرمسـعود حسینیان سفیر و دیپلمات‌ها و همکاران سفارت جمهوری اسلامی ایران در تونس مورد استقبال قرار گرفت.

وزیر امور خارجه در این توقف کوتاه در گفت‌وگو با مدیرکل منطقه‌ای وزارت امور خارجه تونس زمینه‌های توسـعه روابط بین تونس و ایران را بررسی کرد.

وزیر امور خارجه همچنین ضمن احوالپرسـی و خدا قوت به سـفیر و اعضای سـفارت کشورمان، در جریان آخرین تحولات و تلاش‌ها برای توسعه و گسترش روابط کشورمان با تونس در عرصه‌های مختلف قرار گرفت و سفیر کشورمان توضیحاتی از محل ماموریت خود ارائه کرد.

بـه گزارش ایرنـا، حسـین امیرعبداللهیـان وزیر امور خارجه ۱۴ اردیبهشـت ماه به منظور شرکت در پانزدهمین نشسـت کنفرانس سران کشـورهای عضو سـازمان همکاری اسلامی، به بانجول پایتخت گامبیا سفر و بامداد یکشنبه ۱۶ اردیبهشت بانجول را به مقصد تهران ترک کرد.

گروسی با امیرعبداللهیان دیدار کرد

رافائل گروسـی مدیرکل آژانس بین‌المللـی انرژی اتمی کـه به ایران سفر کرده دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه با حضـور در محل وزارت امور خارجه ایران با حسین امیرعبداللهیان دیدار و گفت‌وگو کرد.

دیدار نیچروان بارزانی با امیرعبداللهیان

نیچروان بارزانـی رئیس منطقه کردستان عراق که به تهران سفر کرده، ظهر دوشنبه با حضور در محل وزارت امور خارجه با حسین امیرعبداللهیان وزیـر امور خارجه دیـدار و گفت‌وگو کرد.

لازم بـه ذکر اسـت وی در طی این سـفر بـا رهبر معظـم انقلاب و رئیس‌جمهوری اسـلامی ایـران نیز گفت‌وگو و دیدار داشت.

در دیدار وزیر تجارت عراق

مخبر: ایران و عراق در مبادلات اقتصادی از ارز ملی خود استفاده کنند

معـاون اول رئیس‌جمهور با تاکید بر اینکه ایران و عراق باید در مبـادلات اقتصادی از ارز ملی خود استفاده کنند تصریح کرد: روابط دوستانه، عمیق و تاریخی دو کشور ایجاب می‌کند که در تبادلات تجاری و اقتصادی، به جای استفاده از ارز کشور ثالث، از پول ملی خود استفاده کنیم.

محمـد مخبـر، معـاون اول رئیس‌جمهور در دیدار سلمان الغریری وزیـر تجارت عـراق، با بیـان اینکه توفیقات دولت و ملـت عراق همواره برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویـژه‌ای برخوردار بوده اسـت اظهار امیدواری کرد روز به روز شاهد افزایش توفیقات و رفاه مردم دو کشور باشیم.

وی همچنیـن لازمـه توسـعه مناسـبات اقتصادی ایـران و عراق را تسـهیل همکاری بخش خصوصی دو کشور دانست و افزود: بخش خصوصی ایران به دلیل روابط صمیمانه دو کشور و همچنین وجود عتبات عالیات، انگیزه بالایی برای فعالیت در عراق دارند که لازم است کمیسـیون همکاری‌های مشـترک، موانع پیش روی توسـعه مراودات تجاری فی‌مابین را شناسایی و نسبت به رفع این مشکلات اقدام کند.

معاون اول رئیس‌جمهور با تاکید بر اینکه ایران و عراق باید در مبادلات اقتصادی از ارز ملی خود استفاده کنند تصریح کرد: روابط دوستانه، عمیق و تاریخی دو کشور ایجاب می‌کند که در تبادلات تجـاری و اقتصادی، به جای استفاده از ارز کشور ثالث، از پول ملی خود استفاده کنیم.

مخبر در بخش دیگری از سخنان خـود از وعده صادق و پاسـخ محکم جمهوری اسلامی ایران به رژیم اشغالگر قدس به عنوان یک نقطه تاریخی یاد کرد و اظهار داشت: امروز هیمنه آمریکا و اسرائیل با ایستادگی محور مقاومت کاملا در هم شکسته و علی‌رغم اینکه آنها تمامـی امکانات خود را بسـیج کرده‌اند نتوانسـته‌اند به اهداف خود دسـت پیدا کنند بـه همین دلیل به کشـتار زنان و کـودکان در غزه روی آوردند.

وزیر تجارت عراق نیز در این دیدار ایران را سرزمین تاریخ، تمدن و اندیشه توصیف کرد و گفـت: بغداد به دنبال تقویت جدی در مناسـبات تجاری با تهران اسـت و این موضوعی است که نخسـت‌وزیر عراق نیز آن را به عنوان یک اولویت دنبال می‌کند.

سلمان الغریری، وزیر تجارت عراق با اشـاره به وجود کالاها و محصولات ایرانی در عراق خاطرنشان کرد: عراق بازار خوبی برای کالاهای ایرانی است و مـا همواره خواهـان تقویت واردات محصولات ایرانی به عراق هستیم.

وزیر تجارت عراق از ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری خود یاد کرد و افزود: به عنوان وزیر تجارت عراق و رئیس طرف عراقی کمیسیون همکاری‌های مشترک دو کشور آمادگی دارم موانع و مشکلات پیش روی تجار ایرانی را برای توسعه فعالیت‌های خود در عراق مرتفع کنم.

آمریکا اشتباه بزرگی کرد و هرگز حریف مقاومت در منطقه نخواهد شد

یـک روزنامه اصلاح‌طلب تأکید کرد: آمریکا به هیچ وجه حریف انصارالله یمن نخواهد شد.

روزنامه آرمان در یادداشتی به قلم دکتر علی بیگدلی نوشت: همواره این سـؤال در نزد افکار عمومی وجود دارد که مگر نه اینکه ایالات متحده آمریکا به کمک اسـرائیل آمده و در عراق و سـوریه و یمن، علیه گروه‌های مقاومت عملیات‌های مختلف انجام داده است. پس چرا این گروه‌ها همچنان اقدام به فعالیت علیه اسرائیل می‌کنند؟

واقعیت آن اسـت که آمریکایی‌ها اشتباه کردند که وارد نبرد در منطقه شـده‌اند چرا که برای نمونه، جنگیدن با انصارالله که عملاً چریک هسـتند و سرزمین وسیعی را زیر نفوذ خود دارند امکان سرکوب این گروه‌ها را از بین می‌برد. حمله به یمن باعث نخواهد شد که این گروه چیزی را از دست بدهد و آمریکا نیز نمی‌تواند از طریق شلیک موشک و پهپاد اقدامات این گروه علیه اسرائیل را کنترل کند.

اگرچه حتی برخی متحدان آمریکا نیز در سیاسـت سـرکوب گروه‌های مقاومت با آمریکایی‌ها همراه شـدند اما ادامه این وضع به هیچ وجه به نفع غربی‌ها نخواهد بود و آمریکا حریف این گروه‌ها نخواهد شد. چرا که همان‌طور که گفته شد اعضای گروه‌های مقاومت در منطقه چریک هستند و هیچ‌گونه وابسـتگی‌ای به این جهان ندارند و بـرای اعتقادات خود می‌جنگند. بنابراین این جنگ حالا حالاها ادامه خواهد داشت.

البته برخی از کشورهای منطقه در نظر دارند شرایط را به گونه‌ای تغییر دهند تا نوعی آتش‌بس بین حماس و اسرائیل ایجاد شود. ظاهراً اما مذاکرات قاهره با شکسـت روبه‌رو شـده است و از سـوی دیگر هنوز حماس در حال چانه‌زنی است و این نشان‌دهنده حضور ژرف قدرت این گروه است. مشخص نیست که مقاومت در منطقه از جمله انصارالله در صورت پایان جنگ آیا به نبرد علیه اسـرائیل خاتمه خواهند داد؟ از طرفی دیگر آمریکا نمی‌تواند در آسـتانه انتخابات در یمن نیرو پیاده کند که اگر دست به این اقدام هم بزند، اشتباه مجددی مرتکب شده است.

البته سـوی دیگر ماجرا روسیه و چین هستند چرا که واقعیت آن است که غربی‌ها در منطقه گرفتار شدند و قیمت نفت بالا رفته است و این به نفع روس‌هاست. چین هم از این باتلاقی که آمریکایی‌ها درون آن گرفتار آمده‌اند خوشحال است چون با گرفتاری آمریکا در منطقه دیگر ایالات متحده نمی‌تواند بر روی چین و روسـیه تمرکز کند. شاید در طول حیات سیاسی خاورمیانه، این‌قدر شرایط این منطقه در حد کنونی برهم نریخته بود.

اگر بی‌عقل نبودید که لقب استاد و نواندیش را حراج نمی‌کردید

روزنامه حامی اعوجاجات مهدی نصیری ظرف دو سال گذشته، اکنون او را به اصولگرایان نسبت می‌دهد و ضمناً می‌گوید که عقل هم چیز خوبی است.

عباس عبدی در روزنامه اعتماد نوشت: «جناح نواصولگرایان حاکم گمان می‌کنند، می‌توانند و می‌باید هر چیزی را که نمی‌پسندند، نثار دیگران کنند، بدون اینکه اندکی تأمل نمایند که تبعات حرف‌ها و کارهای‌شان چیست؟ فقط دوست دارند نیش بزنند؛ نیشی که اقتضای طبیعت آنان است تا از روی درایت و آینده‌نگری. جالب است که نعمت عقل بیش از هر چیز دیگری میان انسان‌ها به نسـبت برابر توزیع شده و فقط می‌ماند که افراد تا چه اندازه از این نعمت انحصاری بشر استفاده کنند. ظاهراً قصدی برای این بهره‌مندی از آن نیست.

ماجرا این اسـت که آقای مهدی نصیری اعلام کرده که برای یک سـفر خانوادگی مدتی را عازم کانادا شـده. وی در چند سال اخیر مواضع به نسبت رادیکالی علیه ساختار موجود داشت و آشکارا هم بیان و تبلیغ می‌کرد. اتفاقاً مواضعی که داشـت بخش اصلی اصلاح‌طلبان با آن همراهی نمی‌کردند، ولی آقای نصیری هیچ نسبتی با اصلاح‌طلبی به عنوان یک مجموعه‌ای با پیشینه‌ای فکری و سیاسـی نداشـت و هنوز هـم به لحاظ مبانی فکـری به مجموعه اصولگرایان نزدیک‌تر اسـت. البته این فقدان نسبت را نه به‌عنوان نقطه قوت ایشـان می‌گویم و نه به‌عنوان نقطه ضعف، بلکه یک واقعیت اسـت. ایشان تا زمانـی که ایران بودند مواضـع رادیکال خود را اظهار می‌کردند، مواضعی که اگر یک نفر از اصلاح‌طلبان اندکی از آن مواضع را می‌گرفت، در چشـم به‌هم زدنی بازداشت و بازجویی می‌شد و جایش در زندان بود. اتفاقاً بهترین دلیلی که وی منسـوب به اصلاح‌طلبان نیسـت، همین مصونیت سیاسی و قضائی ناگفته و نانوشته‌ای است که در عمل، مجموعه اصولگرایان از آن بهره‌مندند. البته آقای نصیری ارتباطات گوناگونی داشـت، با اصلاح‌طلبان هم نشست و برخاسـت داشت، همچنان که با دیگران داشـت ولی هیچ‌گاه به عنوان یک فعال اصلاح‌طلب نه خودش را معرفی می‌کرد و نه کسـی به چنین صفتی او را می‌شناخت».

دربـاره این تحلیل گفتنی اسـت که امثال عبـدی و ده‌ها نفر دیگر هم سالهاست مواضع بسیار تند و بی‌قاعده و به دور از عقل می‌گیرند، و نهادهای قضائی و امنیتی، کمتریـن اعتنایی به آنان نمی‌کنند. آیا آنها نیز همان‌گونه کـه برخی اصلاح‌طلبان برای رفع و رجوع حرف نصیری (ضرورت برداشـتن فاصله میان تاجزاده و شـاهزاده در اپوزیسـیون) ادعا کردند، پروژه نیروهای امنیتی هستند؟!

ثانیاً ادعای مخالفت برخی اصلاح‌طلبان با سـخن نصیری در حالی است کـه حرف او، ترجمان دیگـری از تعریفی بود که بارها در گذشـته بر زبان اصلاح‌طلبانی مثل حجاریان تکرار شـده بود: «جبهه اصلاح‌طلبان، از سروش تا گوگوش را شـامل می‌شـود». حتی رئیس شـورای عالی سیاسـتگذاری اصلاح‌طلبان، ۲۷ مرداد ۱۳۹۷ در دیدار انجمن اندیشه و قلم گفته بود: «ما، گفتمـان اصلاحات را برآمده از انقـلاب می‌دانیم. مزیت این گفتمان، جذب حداکثری اسـت؛ این مثال درباره اصلاحات که «از سـروش تا گوگوش» را شامل می‌شود، صحیح است و ما نمی‌توانیم کسی را حذف کنیم.... براندازان در جریان اصلاحات جایی ندارند».

یک جبهه سیاسـی چگونه می‌توانسـت شـامل معاندانی مثل سروش و گوگوش باشـد و در عین حـال ادعا کند که با برانـدازان، مرزبندی دارد و آلت دست آنها نیست؟! این ادعا که «گفتمان اصلاحات، از سروش تا گوگوش را شامل می‌شود»، در حالی بود که سروش، منکر رسالت پیامبر اعظم(ص) شد و وحی الهی را -نعوذبالله- «رویاهای شاعرانه» توصیف کرد. گوگوش (خواننده کاباره‌ها در رژیم طاغوت) نیز به همراه دیگر سـلطنت‌طلبان، مؤسس شبکه ضد دینی و ضداخلاقی من و تو بود. وقتی جبهه‌ای شـتر مرغ مسلک، بتواند از سـروش تا گوگوش را شامل شود، چرا نتواند شامل دو ورشکسته دیگر که میل مفرط به دیده شـدن دارند (تاجزاده و شـاهزاده) باشد؟! مگر نه این‌که همگی در فتنه صهیونیستی پاییز ۱۴۰۱، پیاده نظام یک اتاق فرمان بودند؟

اما فارغ از این همانی سخن نصیری با اظهارات حجاریان و دیگران، می‌توان گفت که «اعتماد» در ادعای خود صادق نیست. این روزنامه تا همین اواخر، سـرگرم ترویج مواضع رادیکال نصیری بود و بالغ بر ۳۰ گفت‌وگو و یادداشت از نامبرده منتشـر کرد؛ از جمله: «سیاسـت خارجی ما نه تنها دینی که ضد دینی است»؛ «طعنه نصیری: حرکت قطار پیشرفت‌تان چطور است؟»؛ «طعنه سـنگین به مسئله حجاب»؛ «انقلاب نه تنها دنیا، که آخرت مردم را هم تباه کرده»؛ «خیابانی به نام بازرگان نامگذاری شود» و....

رسـانه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاح‌طلب در حالی نامبرده را نامتعادل و افراطی و... می‌خوانند که روزنامه شرق «گفت‌وگویی تاریخی» با وی به عنوان روزنامه‌نگار، نویسـنده و فعال سیاسی انجام داده و مانند یک قهرمان معرفی کرده بود و روزنامه اعتماد با او به عنوان «روزنامه‌نگار، نواندیش دینی و فعال سیاسـی» درباره حجاب مصاحبه کرده بود! (۲۹ شـهریور ۱۴۰۱ مصاحبه روزنامه اعتماد با نصیری و ۱۵ دی ۱۴۰۲ گفت‌وگوی روزنامه شرق با وی).

گفتنی است روزنامه سازندگی نیز مهر ۹۹ از قول عطریانفر، از نصیری به عنوان «استاد نصیری، چهره سنت‌گرای نواندیش» یاد کرده بود.

هدف از افشای فایل محرمانه ظریف تداوم دولت روحانی با کمک آمریکا بود!

طرف مصاحبه ظریف در گفت‌وگوی محرمانه سه سال پیش که فایل صوتی آن درز داده شـد، فاش کرد: انتشـار آن فایل محرمانه، عمدی بود و پالسی بـه دولت بایدن که اگر می‌خواهد برای احیای برجام کاری بکند، در ماه‌های منتهی به پایان عمر دولت روحانی باشـد که بتواند به جریان همسوی دولت روحانی برای تداوم قدرت کمک کند (!)

اردیبهشت دو سال قبل، درز فایل صوتی گفت‌وگوی محرمانه محمدجواد ظریف با «مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری»، اعتراض‌های بسیاری را موجب شـد. ظریف در این مصاحبه، عملکرد شهید سلیمانی را زیر سؤال بـرده و بـه دروغ، این عملکرد و عملکرد نیروهـای نظامی را موجب ناکامی برجام معرفی کرده بود.

سـه سال بعد، سـعید لیلاز که فرد مصاحبه‌کننده بود، می‌گوید افشای آن فایل (قرار بود محرمانه و مثلا برای ثبت در آرشـیو و اسـناد ملی باشد) عمدی بوده است!

لیلاز در گفت‌وگو با شرق، درباره این که چرا حامی مذاکره بود اما منتقد برجام شد، می‌گوید: ما درباره دو مسئله حرف می‌زنیم؛ مذاکره و برجام. من در آن زمـان موافـق مذاکرات برابر بودم. بله، من بـه برجام نقد دارم؛ چون خروجی مطلب و آن مذاکرات نبود. من موافق مذاکره برابرم و فکر می‌کنم در آن سال مذاکره برابر انجام شد. نتیجه آن دو سال مذاکره برابر به یک توافق رسید. اتفاقا اگر ما برجام یک را امضا نمی‌کردیم و به شکست نمی‌رسید، من مخالف جدی برجام ۲ و ۳ نبودم؛ ولی وقتی برجام اول این سرنوشت را پیدا کرده اسـت، دیگر برجام‌های بعدی فایده‌ای ندارد. این را سعید لیلاز به شما قول می‌دهد. مخالفت من نتیجه یک سیر تحلیلی از تطور تاریخی مذاکرات و نتیجه آن است. وقتی ما نتیجه برجام را در شرایط کنونی می‌بینیم، واقعا دیگر نباید نگاه مثبتی به مذاکرات نابرابر- تاکید دارم مذاکرات نابرابر- داشـت. نه درباره توان موشکی و دفاعی و نه درباره نفوذ منطقه و دیگر مسائل نمی‌توان مذاکره کرد. در همان زمان هم مشـخص بود که ما درباره برنامه موشـکی و دفاعی و نظامی اصلا نمی‌توانیم حرف بزنیم و این نگاه کاملا قابل دفاع است.

لیـلاز افزود: بایدن هم همان چیزی را می‌خواسـت کـه دونالد ترامپ می‌خواسـت. یعنی نگاه آمریکا اساسـا در مقابل ایـران یک نگاه طمع‌کارانه است و سعی می‌کرد برای بازگشت به برجام سال ۲۰۱۵، امتیازات فراتری را بگیرد که اصلا قابل دفاع نبود. مثلا در حوزه موشـکی یا دفاعی یا پهپادی و منطقه‌ای امتیاز بدهیم تا برجام احیا شود.

او درباره افشای فایل گفت‌وگوی محرمانه‌اش با محمدجواد ظریف اظهار کـرد: من از گفتـن جزئیات خودداری می‌کنم. فقط سربسـته می‌گویم که ماجرای انتشار آن فایل مصاحبه، بدون آنکه بگویم چه کسی چه کاری کرد، یکی از اهداف و دلایل و جنبه‌های افشاگری آن، با هدف ارسال پالس بود که اگر دولت بایدن می‌خواهد برای احیای برجام کاری بکند، در همین ماه‌های منتهـی به پایان عمر دولت روحانی باشـد که احیای برجام بتواند به جریان همسوی دولت روحانی برای تداوم قدرت کمک کند و دولت بایدن متاسفانه حتی همین کمک را هم نکرد.

لیلاز می‌افزاید: «آمریکایی‌ها در دولت بایدن، نه در چند ماه پایانی دولت روحانـی کاری برای احیـای برجام کردند که مثلا به سـود اصلاح‌طلبان و میانه‌روها تمام شود و نه حتی در دولت رئیسی توانستند برجام را احیا کنند که به سـود اصولگراها باشد و نهایتا به شرایط حال حاضر کشور رسیدیم که احتمال دارد دوباره دونالد ترامپ هفت ماه دیگر در انتخابات آمریکا پیروز شود.

او می‌گوید: اکنون ایران زمین بازی را عوض کرده است. غنی‌سازی را تا ۶۰ درصد برده، فلز اورانیوم تولید کرده و سانتریفیوژهای نسل جدید را هم به کار برده است. پس دیگر روند بازی عوض شده است. چرا؟ چون ایران فهمیده اگر کماکان به انفعال و مماشات خود ادامه دهد، حد یقفی برای زیاده‌خواهی آمریکا وجود ندارد و مرتبا جلوتر می‌آید».

یادآور می‌شـود انتقال فایل صوتی مصاحبـه محرمانه ظریف به فضای مجازی و شبکه صهیونیستی اینترنشـنال، یکی از صدها افتضاحات امنیتی در دولت روحانی بود. و نکته قابل تامل این که سردبیری شبکه صهیونیستی اینترنشـنال هم در اختیار رمضانپور(معاون وزیر ارشـاد دولت خاتمی/ مدیر روزنامه زنجیره‌ای آفتاب امروز) قرار داشت.

ظریف در این مصاحبه، عملکرد شهید سلیمانی را زیر سؤال برده و به دروغ، این عملکرد و عملکرد نیروهای نظامی را موجب ناکامی برجام معرفی می‌کند.

ظریف در این مصاحبه که اسـفند ۱۳۹۹ در قالب «تاریخ شفاهی دولت تدبیر و امید» ضبط شده، به شکلی مغرضانه و تحریف‌آمیز ادعا می‌کند: «من دیپلماسی را بیشتر برای میدان هزینه کردم، تا میدان برای دیپلماسی هزینه شده باشد. هیچ زمانی نتوانسـتم به فرمانده میدان [نظامی] بگویم کاری را بکن، چون در دیپلماسـی نیاز دارم. تقریبا هربار که من برای مذاکره رفتم، این سلیمانی بود که می‌گفت می‌خواهم تو این خاصیت یا نکته را بگیری». او در پاسخ به سؤالی درباره چرایی دخالت نظامی در تصمیمات دولت گفته بود: «وقتی میدان [نظامی] تصمیم‌گیر باشد، این می‌شود. وقتی که میدان بخواهد بر استراتژی کشور حاکم شود، این می‌شود که می‌توانند با ما بازی کنند.»

ظریف همچنین گفته بود: «بین ۲۳ تیر ۹۴ که برجام نهائی شد تا ۲۶ دی ۹۴ که برجام به مرحله اجرا درآمد، پشـت سر هم اتفاقاتی افتاد که به توافق ضربه زد؛ سفر سلیمانی به روسیه، گرفتن دو قایق جنگی آمریکایی (۲۲ دی ۹۴)، نوشتن مرگ بر اسرائیل روی موشک و... سفر آقای سلیمانی به روسیه، به اراده مسـکو شکل گرفت، نه به اراده ما. ادعا می‌کنیم که آقای سلیمانی، پوتین را به جنگ کشید. اما پوتین تصمیمش را گرفته بود. پوتین وارد جنگ شد، اما با نیروی هوایی، اما نیروی زمینی ایران را هم به جنگ کشید».

این روایت غلط -که آمریکا را برای گردن‌کشـی و گروکشـی بیشتر در مذاکرات احیای برجام تشـویق کرد- در حالی بود که خبرگزاری آمریکایی آسوشـیتدپرس درباره سفر شهید سلیمانی به مسکو نوشته بود: «دیدار مهم ژنرال سلیمانی با پوتین، نقشی مؤثر در نقش‌آفرینی روسیه در جنگ سوریه داشـت. یکی از قدرتمندترین مقامات نظامی ایران، نشستی سه ساعته را با پوتین روسیه داشت تا او را متقاعد کند. فرمانده نیروی قدس سپاه، ماه اوت (مردادماه ۹۴) به مسکو رفت. سلیمانی و پوتین، نقشه‌ها و عکس‌ها را بررسی کردند و به تبادل اطلاعات پرداختند. بررسی‌ها نشان داد گروه‌های تروریستی، در صورتی که مسـکو وارد عمل نشـود، فعالیت‌شان را به نز